



پیمان تی تیپ و روابط قدرت‌های دو سوی آتلانتیک

دکتر عبدالله قنبرلو *

اشاره:

در ماه‌های اخیر، مناسبات بین آمریکا و اروپا تحت تأثیر مذاکرات بر سر معاهده اقتصادی تی تیپ (مشارکت تجاری و سرمایه‌گذاری فراآتلانتیک^۱) قرار گرفته است. این معاهده که مذاکراتش از سال ۲۰۱۳ آغاز شده، ظاهراً قرار است تا پایان سال ۲۰۱۶ به مرحله نهایی برسد. در حالی که تی تیپ حاکی از حرکتی بزرگ در جهت تعمیق روابط قدرت‌های دو سوی آتلانتیک است، مخالفت‌های گسترده مردمی در هر دو طرف خصوصاً اروپا نشان از پیچیدگی قضیه دارد. از این رو، بررسی ابعاد و آثار احتمالی معاهده بر مناسبات میان طرف‌های توافق اهمیت می‌یابد.

مقدمه

گسترش مناقشات بر سر موضوعات قابل توافق در تی تیپ پس از آن ملموس‌تر شد که باراک اوباما طی سفر اروپایی اخیر خود (آوریل ۲۰۱۶) در برابر موج بزرگی از اعتراضات به معاهده اخیر بین آمریکا و اروپا قرار گرفت. فقط در هانوفر آلمان، تظاهراتی حدوداً ۹۰ هزار نفری متشکل از گروه‌های مختلف از جمله فعالان محیط زیست و حامیان حقوق مصرف‌کنندگان برپا شد که در آن تظاهرکنندگان با شعارهای مختلف، مخالفت خویش با پیمان را ابراز کردند. خواست اساسی آنها توقف فوری مذاکرات تی تیپ بود.

البته این معاهده چه در آمریکا و چه در اروپا هواداران بسیاری دارد. موافقان بر آنند که انعقاد توافقی که به تعمیق روابط

تجاری و سرمایه‌گذاری آمریکا و اروپا بیانجامد، می‌تواند در رونق کسب و کار دو طرف تأثیر مثبتی بگذارد. انگیزه اصلی دولت‌های مذاکره‌کننده نیز این بوده که با امضای چنین توافقی به روند خروج کلیه دولت‌های طرف توافق از رکود اقتصادی شتاب بیشتری بخشیده و جایگاه اقتصادهای غربی را در جهان کنونی بهبود بخشند. اما مشکل از آنجا آغاز می‌شود که تعمیق همکاری‌های اقتصادی بین آمریکا و اروپا به هزینه به حاشیه کشیده شدن بخشی از استانداردهای کیفی زندگی در اروپا تمام خواهد شد. با توجه به حساسیت افکار عمومی در کشورهای پیشرفته اروپایی به اصل زندگی با کیفیت، طبیعی است که انعقاد معاهده تی تیپ با مخالفت گسترده‌ای از سوی آنها مواجه شود. پیچیدگی قضیه زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم در آمریکا نیز معاهده مذکور مخالفان قابل توجهی دارد؛ مخالفانی که بیشتر نگران تأثیر منفی معاهده بر کسب و کار خویش هستند. این گونه اعتراضات در دو سوی آتلانتیک یک پیام مهم دارد و آن اینکه سناریوی هم‌گرایی بیشتر اروپا و آمریکا در جهان کنونی با موانع قابل توجهی مواجه است.



ماهیت و زمینه‌های شکل‌گیری تی تیپ

تی تیپ یا همان «مشارکت تجاری و سرمایه‌گذاری فرآتلانتیک» توافقی گسترده و بلندپروازانه بین آمریکا و اتحادیه اروپاست که اولین دور از مذاکرات مربوط به آن در ژوئیه ۲۰۱۳ انجام شد و تاکنون دوازده دور مذاکرات درباره آن به انجام رسیده است. چنان که از نام معاهده پیداست، هدف آن دسترسی آزادانه‌تر و روان‌تر فعالان اقتصادی دو طرف به بازارهای همدیگر است تا از این طریق زمینه مناسب‌تری برای تسریع رشد اقتصادی طرف‌های توافق فراهم گردد. جهت‌گیری معاهده به سمت هماهنگ کردن قوانین و مقررات اقتصادی اتحادیه اروپا و آمریکا خصوصاً در حوزه سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری است. برآوردهای مختلفی در مورد میزان تأثیر معاهده بر نرخ رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و ایالات متحده به عمل آمده است. بر اساس یک بررسی، این معاهده سالانه حدود ۱۲۰ میلیارد یورو برای اتحادیه اروپا و ۹۵ میلیارد یورو برای ایالات متحده افزایش بازدهی اقتصادی به دنبال خواهد داشت. انتظار می‌رود ضمن اینکه نرخ اشتغال در هر دو طرف بالا می‌رود، مصرف‌کنندگان نیز از کالاها و خدمات ارزان‌تری بهره‌مند شوند. این دستاوردها منطقاً باید پشتیبانی مردمی گسترده و فراگیری به دنبال داشته باشد. اما در عمل چنین نیست. تأثیر منفی معاهده بر استانداردهای کیفی زندگی در اروپا و همچنین اثر توزیعی خاصی که به دنبال دارد، موجب بروز حساسیت و مخالفت در برابر تی تیپ شده است. همین مسأله به تطویل مذاکرات می‌انجامد. با اینکه توافق شده بخش اصلی مذاکرات تا پایان سال ۲۰۱۶ به سرانجام برسد، اما به نظر می‌رسد دوره زمانی لازم تا نهای شدن مذاکرات بیش از توافق اولیه به طول بیانجامد.

سؤال مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، علل گرایش دو طرف به تعمیق همکاری در شرایط کنونی است. موضوع همکاری اقتصادی آمریکا با اروپا طی نیم سده اخیر سیر یکنواختی نداشته است. در دهه‌های آغازین جنگ سرد، ایالات متحده انگیزه بالایی برای یکپارچه‌سازی اقتصادی بلوک غرب تحت هژمونی خویش داشت. در این دوره، اروپایی‌ها به موازات بازسازی اقتصاد خویش به سمت همگرایی منطقه‌ای در قالب جامعه اقتصادی اروپا حرکت کردند. با اینکه منطقه‌گرایی در اروپا گزینه ایده‌آلی برای آمریکا نبود، اما این کشور به دلایل سیاسی از آن حمایت می‌کرد. آمریکایی‌ها از احتمال انحراف تجارت به ضرر صادرات کشورشان نگران

بودند، اما از آنجا که به وحدت سیاسی با اروپا در برابر دشمن مشترک خویش یعنی بلوک کمونیست اهمیت زیادی می‌دادند، حساسیت نشان ندادند.

از دهه ۱۹۸۰ به بعد تحولات نوینی در مناسبات اقتصادی قدرت‌های دوسوی آتلانتیک شکل گرفت. در این دهه و همچنین دهه ۱۹۹۰، آمریکایی‌ها با واقعیت تقویت فرایند همگرایی اقتصادی در اروپا مواجه بودند. اما آنها به جای استفاده از موانع حمایتی سرسختانه در برابر اروپا، راهی مشابه شرکای اروپایی خویش برگزیدند و آن گرایش به توافق‌ها و بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای توسط خود آمریکا بود. از این رو واشنگتن در تشکیل مجامع نفتا و اپک فعال شد و به انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد با کشورهای مختلف جهان روی آورد. البته واشنگتن به موازات منطقه‌گرایی از فرایند چندجانبه‌گرایی در قالب سازمان تجارت جهانی نیز حمایت می‌کرد. در دهه ۱۹۹۰، منطقه‌گرایی اروپایی‌ها شکل سیاسی‌تری به خود گرفت. یکی از انگیزه‌های اساسی تشکیل اتحادیه اروپا تشکیل یک بلوک سیاسی قدرتمند و مستقل در اروپا بود. پایان جنگ سرد سبب شد اروپا به مشی سیاسی مستقل‌تری روی آورده و بعضاً در برابر آمریکا موضع‌گیری‌های سرسختانه‌ای انتخاب کند.

اما طی سال‌های اخیر تحولات جهان به سمت و سویی حرکت کرده که مجدداً ضرورت گسترش همکاری اقتصادی میان اقتصادهای غربی را افزایش داد که همین ضرورت‌ها در آغاز مذاکرات بر سر تی تیپ نقش اساسی دارند. در حالی که اقتصادهای آسیایی با سرعت قابل توجهی در حال

مخالفت با توافق وجود دارند. سندیکاها و سازمان‌های جامعه مدنی مختلفی در جهان غرب علیه این مذاکرات تجاری اخیر بسیج شده‌اند. سنگ‌اندازی‌های احتمالی از عواملی بوده که باعث شده جریان مذاکرات شکل سری پیدا کند. چندی پیش (ابتدای می ۲۰۱۶) گروه صلح سبز هلند ۲۴۸ صفحه از اسناد تی‌تی‌پ را منتشر کرد که موجب تحریک شکل‌گیری جریان‌های اعتراضی متعددی شد. گروه‌های مختلفی از جمله خود گروه صلح سبز خواستار توقف مذاکرات شدند.

در ایالات متحده، مخالفت‌ها تحت تأثیر چند واقعیت اساسی قرار دارد. اول اینکه سیستم مالی و بانکی این کشور پس از بحران ۲۰۰۸ تحت مقررات و قید و بندهای سخت‌گیرانه زیادی قرار گرفته که هدفش منضبط‌سازی سیستم مالی آمریکاست. بحران ۲۰۰۸ از یک منظر نتیجه آزادی عمل بانک‌ها در آمریکا بود. سخت‌گیری‌های بعدی سبب شده مقررات مالی آمریکا در مقایسه با اروپا بسیار محتاط‌تر و سخت‌گیرانه‌تر شود. این در حالیست که با انجام آزادسازی‌های پس از تی‌تی‌پ ممکن است مجدداً بی‌نظمی و اختلال ایجاد شود. این معاهده می‌تواند بر تلاش‌های دولت آمریکا برای مقاوم‌سازی اقتصاد کشور اثر منفی بر جا بگذارد. معاهده با رفع محدودیت‌ها دست بانکداران را بازتر می‌کند که ممکن است مشکل آفرین شده و زمینه‌ساز اغتشاش مالی دیگری شود.

واقعیت دوم این است که اقتصاد آمریکا از برخی جهات تحت حمایت‌های دولتی قرار دارد. برای مثال، دولت قانوناً موظف است برخی کالاها و خدمات را صرفاً از تولیدکنندگان آمریکایی خریداری کند. این گونه مقررات در واقع نوعی حمایت غیرتعرفه‌ای از تولیدکنندگان آمریکایی به حساب می‌آید. از آنجا که با تحقق معاهده تجاری جدید انحصار بنگاه‌های آمریکایی در این زمینه شکسته خواهد شد، طبیعی است که صاحبان بنگاه‌های تحت حمایت دولت در برابر معاهده مخالفت کنند. بخش زیادی از مخالفان تی‌تی‌پ در آمریکا نگران تضعیف حمایت‌های دولتی و احتمال ورشکستگی شرکت‌های تحت حمایت دولت هستند. شرکت‌هایی که به حمایت دولت عادت کرده‌اند، ممکن است توان کافی برای رقابت در برابر رقبای اروپایی نداشته باشند.

واقعیت مهم سوم اینکه بخش انرژی در آمریکا جزو امتیازات اقتصادی این کشور است که تی‌تی‌پ می‌تواند آن را مورد تهدید قرار دهد. در حال حاضر نفت و گاز ارزان در آمریکا نقش مهمی

رشدند، اقتصادهای غربی به کندی پیش می‌روند. تحلیل‌های مختلف حاکی از آن هستند که اقتصاد آسیا در آینده‌ای نه چندان دور از غرب پیشی خواهد گرفت. طی دهه اخیر، خصوصاً پس از بحران جهانی ۲۰۰۸ صدمات بسیار سنگینی بر پیکره اقتصادهای غربی وارد شده است. در حالی که آمریکا با روند نسبتاً بهتری بحران را پشت سر گذاشته، اروپا همچنان با مسائل پیچیده‌ای درگیر است. در درون اتحادیه اروپا مخالفت‌ها با ساختار اتحادیه افزایش یافته، تا جایی که دولت بریتانیا تصمیم به برگزاری رفراندوم در این زمینه گرفته است. همه‌پرسی در مورد خروج و یا ادامه عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا قرار است سوم تیر ۱۳۹۵ (۲۳ ژوئن ۲۰۱۶) برگزار شود. برداشت بسیاری از تصمیم‌گیران آمریکا این است که تشنگی و اختلال در داخل اتحادیه اروپا می‌تواند منافع استراتژیک آمریکا را نیز مورد تهدید قرار دهد. به این ترتیب، رهبران هر دو طرف به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بایستی برای بازسازی توانمندی اقتصادی و همچنین همگرایی سیاسی قدرت‌های دو سوی آتلانتیک تلاش و تدبیر تازه‌ای به کار گرفته شود.

چالش‌های معاهده تی‌تی‌پ در آمریکا و اروپا

چنان‌که اشاره شد، تی‌تی‌پ پروژه بلندپروازانه‌ای است که در صورت مدیریت هوشمندانه می‌تواند جهش جدیدی در رشد اقتصادهای غربی ایجاد کند. اما مسئله اساسی این است که این توافق از پشتیبانی مردمی قرص و محکمی برخوردار نیست. در هر دو طرف انگیزه‌های جدی برای



در رونق بنگاه‌های این کشور دارد. تا چندی پیش، تصور کلی بر آن بود که کشور آمریکا در آینده واردکننده بزرگ نفت و گاز خواهد بود. اما با بهبود تکنولوژی تولید انرژی از لایه‌های رسی و با توجه به وجود ذخایر عظیم در این کشور، این تصور دگرگون شده و ادعا می‌شود کشور آمریکا در آینده نزدیک می‌تواند نقش عمده‌ای در تأمین کمبود انرژی جهان ایفا کند. انقلاب انرژی شیل به فراوانی و ارزانی انرژی در آمریکا و همچنین رونق اقتصادی این کشور خصوصاً در صنایع انرژی بر کمک بسیاری کرده است. عده‌ای در داخل آمریکا نگران تأثیر منفی تی تیپ بر موقعیت انرژی آمریکا هستند. اقداماتی نظیر صدور گاز مایع توسط تولیدکنندگان آمریکا به اروپا به افزایش بهای آن در این کشور کمک خواهد کرد. بنابر چنین استدلال‌هایی است که گفته می‌شود آزادسازی انتقال انرژی به اروپا بر بخشی از تولیدات آمریکا اثر منفی خواهد گذاشت.

نگرانی‌ها در اروپا با انگیزه‌های متنوع تری صورت می‌گیرد. در حالی که مخالفت‌ها در آمریکا بیشتر با انگیزه اقتصادی صورت می‌گیرد، در اروپا رنگ و بوی اجتماعی نیز پیدا می‌کند. آنچنان که رسانه‌های جهان منعکس کرده‌اند، مخالفت‌هایی که با انگیزه اجتماعی صورت می‌گیرد، جدی‌تر است. از آنجا که سطح استانداردها در اتحادیه اروپا به علت وجود و فعالیت سندیکاها، جنبش‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی به مراتب بالاتر از آمریکاست، مخالفان برآنند که با معاهده جدید اتحادیه اروپا یا باید از طریق هماهنگ شدن با استانداردهای آمریکایی راه نئولیبرالیسم را انتخاب کنند که این در هنجارها و خط‌مشی حیات اروپایی‌ها قابل تأیید نیست و یا اینکه حاضر به پذیرش زیان‌های ناشی از تفاوت در سیاست‌ها باشند. اهم مشکلاتی که از منظر اروپاییان پذیرش تی تیپ را دشوار می‌کند، موارد زیر هستند:

۱. باز شدن پای شرکت‌های آمریکایی به سیستم‌های خدمات اجتماعی اروپا از اهداف تی تیپ ذکر شده است که در نتیجه آن این گونه خدمات مثل خدمات بهداشت و درمان، حمل و نقل، آموزش، تأمین آب آشامیدنی و نظایر اینها تحت الشعاع منافع شرکت‌ها قرار خواهند گرفت. البته کمیسیون اروپا اعلام کرده که خدمات عمومی اروپا از شمول توافق‌های معاهده مستثنی هستند. اما آنچنان که هافینگتون پست گزارش کرده، وزیر سابق تجارت و سرمایه‌گذاری بریتانیا، لرد لیوینگستون پذیرفته که گفتگوهایی در مورد خدمات بهداشتی ملی صورت گرفته است. این می‌تواند قدمی در جهت

خصوصی‌سازی خدمات بهداشتی ملی در اروپا قلمداد شود. نگرانی این است که با رسوخ هنجارهای نئولیبرال در اروپا اهمیت خدمات عمومی دولتی در این منطقه زیر سؤال برود.

۲. در تی تیپ از تسهیل ورود مواد غذایی آمریکا به اروپا صحبت شده که این تهدیدی علیه سلامت تغذیه در این منطقه تلقی می‌شود. واقعیت این است اروپایی‌ها در مورد احراز سلامت مواد غذایی تولیدی از جمله تولید مواد پروتئینی فرآوری شده، استفاده از هورمون در تولید گوشت و استفاده از مواد شیمیایی در تولید مواد غذایی مختلف استانداردهای سخت‌گیرانه‌ای دارند. در اروپا مواد غذایی که با دست‌کاری ژنتیکی تولید می‌شوند، یا ممنوعیت فروش دارند یا اینکه حداقل بایستی برای مصرف‌کننده مشخص باشند. مقررات آمریکا در این زمینه در مقایسه با اروپا بسیار سهل‌گیرانه‌تر است. در اروپا تولیدکننده مواد غذایی ابتدا باید سلامت محصول خویش را تضمین کرده و سپس تولید کند. اما در آمریکا محصول تا زمانی که عدم سلامت آن اثبات گردد، استفاده می‌شود. حال، نگرانی این است که در صورت ورود آزادانه مواد غذایی تولیدی آمریکا به اروپا، استانداردهای سلامت مواد غذایی اروپا تنزل یابد.

۳. مشابه مواد غذایی، اروپایی‌ها در زمینه استانداردهای زیست‌محیطی نیز بسیار سخت‌گیرتر از آمریکا هستند. در هیچ منطقه‌ای از جهان حساسیت به تهدیدات زیست‌محیطی به اندازه اروپا نیست. بخش مهمی از مخالفان تی تیپ فعالان محیط‌زیست هستند که معتقدند با

این است که در آمریکا استانداردهای نیروی کار پایین تر است و خواسته‌های اتحادیه‌های کارگری کمتر مورد احترام قرار می‌گیرد. اتحادیه اروپا بیشتر از آمریکا خود را با هنجارهای اصلی تعیین شده توسط سازمان بین‌المللی کار هماهنگ کرده است. این تفاوت طبعاً به نفع سرمایه‌گذاران آمریکایی است و زمینه جذب نیروی کار در این کشور را تسهیل می‌کند. تی‌تی‌پ بدون هماهنگ‌سازی مقررات کاری آمریکا و اتحادیه اروپا اثر ضد اشتغالی در اروپا خواهد داشت. ۶. بسیاری از منتقدان به طور کلی تأکید کرده‌اند که تی‌تی‌پ جهت‌گیری ضددموکراسی دارد و این بزرگترین تهدید علیه جوامع هر دو سوی آتلانتیک است. این حساسیت‌ها در اروپا بسیار ملموس تر است. یکی از مقرراتی که در تی‌تی‌پ مورد بحث قرار دارد، امکان شکایت شرکت‌ها از دولت‌هاست. هدف این است که به منظور تسهیل فعالیت شرکت‌ها احتمال اعمال محدودیت‌های دولتی علیه آنها کاهش یابد. در صورتی که شرکتی به خاطر سیاست‌ها و اقدامات دولت زیان بدهد، این امکان برایش فراهم خواهد بود که علیه آن دولت اقامه دعوی کرده و تقاضای جبران خسارت کند. مشکل آنجا ملموس تر می‌شود که دولت‌ها را مدافع حقوق شهروندان و شرکت‌ها را مدافع منافع صاحبان شرکت بدانیم. در آن صورت، به این جمع‌بندی خواهیم رسید که تی‌تی‌پ قدرت چانه‌زنی کنش‌گران غیرمنتخب را در برابر کنش‌گران منتخب و حافظ حقوق شهروندان تقویت کرده و حقوق جوامع را مخدوش خواهد کرد. در حال حاضر، صدها پرونده جریان دارند که در آنها سرمایه‌گذاران یا شرکت‌ها به دلایلی از دولت‌ها شکایت کرده‌اند. طبیعی است توافق به نفع شرکت‌ها، قدرت چانه‌زنی دولت‌ها را تضعیف خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

در مورد مذاکرات تی‌تی‌پ و رویدادهای مرتبط با آن توجه به سه نکته اساسی اهمیت دارد. نکته اول این است که تغییرات جهانی طی دهه‌های اخیر ضرورت همکاری اقتصادی آمریکا با اروپا را افزایش داده است. ناکامی‌های اخیر در مذاکرات دور هزاره سازمان تجارت جهانی عامل مهمی است که آمریکا را به توافق‌های منطقه‌ای ترغیب کرده است. توافق‌های منطقه‌ای پراکنده آنچنان که باید به نیازهای این قدرت جهانی پاسخ نداده‌اند؛ از این رو، آمریکا به سمت اروپا میل کرده است. آمریکا از شرایط نامطلوب اقتصاد اروپا به مثابه فرصتی در این مسیر استفاده می‌کند. آمریکا و اروپا شاهدند که

گشایش بیشتر در روابط تجاری اروپا و آمریکا، محیط‌زیست اروپا بیش از پیش تهدید خواهد شد. البته مقامات آمریکا و اروپا ادعا کرده‌اند که با باز شدن دست شرکت‌های خصوصی و محدود شدن دولت، آسیب‌پذیری محیط‌زیست افزایش نخواهد یافت. حتی بعضاً گفته می‌شود که آزادسازی بیشتر به نفع محیط‌زیست خواهد بود. اما طیفی از فعالان محیط‌زیست این گونه وعده‌ها و استدلال‌ها را قابل پذیرش نمی‌دانند. سری بودن مذاکرات سبب شده تصور قربانی شدن محیط‌زیست در نتیجه آزادسازی بیشتر تقویت گردد.

۴. ترس از بازگشت توافق‌نامه تجارت ضد جعل^۱ یکی دیگر از دلایل تردید در مورد تی‌تی‌پ است. این توافق‌نامه که چند سال پیش با حمایت بسیاری از کشورهای صنعتی جهان و در رأس آنها آمریکا منعقد گردید، در صدد بوده تحت عنوان مبارزه با جعل از حقوق مالکیت فکری مبتکران دفاع کند. تعقیب این هدف زمینه‌ساز دخالت و کنترل بیشتر دولت‌ها بر ارتباطات اینترنتی شهروندان می‌شد، به نحوی که حریم خصوصی آنها در معرض تهدید قرار گرفت. پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۲ به همین دلایل از توافق‌نامه کنار کشید. مقررات اتحادیه اروپا در مورد حفظ حریم خصوصی بسیار جدی است. حال، با انعقاد توافق تجاری جدید بین آمریکا و اروپا احتمال بازگشت توافق‌نامه تجارت ضد جعل و ورود به اطلاعات خصوصی افراد تقویت شده است.

۵. برخی ناظران برآنند که تی‌تی‌پ حتی در مورد ایجاد اشتغال نیز بیشتر به نفع آمریکا عمل خواهد کرد تا اروپا. علت

1. Anti-Counterfeiting Trade Agreement

با ظهور قطب‌های جدید در جهان موقعیت اقتصادی جهان غرب در حال تنزل است. آنها به خوبی درک می‌کنند که تغییر این روند مستلزم توسعه بیشتر مناسبات اقتصادی بین دو طرف است. آمریکا و اتحادیه اروپا روی هم تقریباً نیمی از اقتصاد و بخش چشم‌گیری از تجارت جهان را در اختیار دارند. انعقاد یک پیمان تجاری و سرمایه‌گذاری آزاد میان این دو قطب می‌تواند در معادلات اقتصادی جهان، تغییرات قابل توجهی ایجاد کند. تی‌تیپ می‌تواند خلأهای موجود در مناسبات اقتصادی آمریکا و اروپا با قطب‌های آسیایی را جبران کرده و به مرکزیت غرب در اقتصاد جهان کمک کند.

نکته دوم ضرورت بازسازی وحدت اروپا و همچنین وحدت سیاسی قدرت‌های دوسوی آتلانتیک است که در شرایط کنونی جهان برای سیاستمداران غربی اهمیت بالایی دارد. در سال‌های اخیر، پروژه وحدت اروپا به مشکلات بزرگی برخورد کرده است. خروج از اتحادیه اروپا به گزینه روی میز برخی اعضا تبدیل شده است. در صورتی که بریتانیا از اتحادیه خارج شود، احزاب راست‌گرا در اروپا تقویت شده و به احتمال زیاد کشورهای دیگری نیز تصمیم مشابهی را در دستور کار خویش قرار خواهند داد. حتی اگر بریتانیا در اتحادیه حفظ شود، واقعیت مخالفت‌ها در بطن اتحادیه اروپا محفوظ خواهد ماند. برای دولت آمریکا حفظ وحدت اروپا اهمیت استراتژیک بسیاری دارد. در همین چارچوب است که چند وقت پیش باراک اوباما از شهروندان بریتانیا خواست که به باقی ماندن در اتحادیه اروپا رأی دهند. گسست در اتحادیه، وحدت قدرت‌های دوسوی آتلانتیک را نیز مخدوش خواهد کرد. بنابراین، لازم است گام‌های جدی‌تری در جهت بازسازی وحدت درون اروپا و همچنین وحدت غرب برداشته شود. تصور می‌شود تی‌تیپ می‌تواند با تعمیق همکاری اقتصادی موجب بهبود همگرایی سیاسی دولت‌های غربی شود. این معاهده هم برای بهبود وحدت سیاسی داخل اروپا و هم هم‌گرایی قدرت‌های دوسوی آتلانتیک اهمیت دارد. با این حال، باید توجه داشت که اجرای چنین پروژه‌ای امروزه ظرفیت‌های خاص خود را می‌طلبد. شرایط امروز با شرایط دوره جنگ سرد بسیار متفاوت است. هم در مناسبات میان قدرت‌های غربی تغییرات زیادی حاصل شده، هم رقبای امروزی غرب تغییر یافته‌اند، هم منطق بازی و رقابت در جهان تغییر کرده و مهمتر از همه اینکه شرایط تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی پیچیده‌تر شده است.

سومین نکته مهم این است که در جهان امروز نیازها و

دغدغه‌های اجتماعی خرد در برخی جوامع به قدری اهمیت یافته‌اند که شدیداً مناسبات سیاسی میان دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جنبش‌های اعتراضی در حالی در برابر تی‌تیپ قد علم کرده‌اند که اساساً انعقاد معاهده در راستای توسعه رفاه ملت‌های کلیه طرف‌های متعاقد انجام می‌گیرد. این جنبش‌ها به جای تمرکز بر نیازهای رفاهی مادی که در شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه خلاصه می‌شوند، روی کیفیت زندگی تأکید دارند. آنها رفاه خویش را به هر قیمتی جستجو نمی‌کنند. در حالی که بسیاری از دولت‌های روبه‌رشد و صنعتی به خاطر تضمین نیازهای رفاهی از سلامت محیط‌زیست خویش صرف‌نظر کرده و حتی به تعهدات بین‌المللی خویش نیز پایبندی دقیقی ندارند، جنبش‌های نوین اروپا شدیداً به احتمال تغییرات منفی ولو جزئی در استانداردهای زیست‌محیطی کشور خویش حساسیت نشان می‌دهند، هر چند که این تغییرات جزئی در ازای دستاوردهای مادی بزرگی ایجاد شده باشد. این نشان می‌دهد تفکر اقتصادی نئولیبرال که از دهه ۱۹۸۰ بر اقتصاد جهانی غالب شده با موانع بیشتری مواجه شده و هژمونی آن آسیب دیده است. امروزه اروپا در جایگاه کانون چالش در برابر هژمونی نئولیبرالیسم عمل می‌کند. بنابراین، رهبران آمریکا و قدرت‌های اروپایی برای تقویت هم‌گرایی و همکاری اقتصادی بین خویش راه دشواری پیش رو دارند. آنها باید ضمن تلاش برای رسیدن به این هدف، پاسخ‌گویی خویش در برابر نیازهای جدید و متنوع شهروندان را حفظ کنند.

